

تأثیر بعد عاطفی شخصیت سید قطب در به‌کارگیری مبنای تصویرآفرینی اسلوب بیان قرآن

خدیدجه ضیایی^۱، طاهره کمالی^۲

چکیده

سراسر آیات قرآن پوشیده از اعجاز بیانی تصویرپردازی است. تصویری و ملموس بودن مفاهیم ذهنی، یکی از ابعاد قابل‌فهم بودن بیان قرآن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به کتب تفسیری و روان‌شناسی به تأثیر بعد عاطفی شخصیت سید قطب در به‌کارگیری مبنای تصویرآفرینی آیات قرآن پرداخته است. از آنجاکه زبان قرآن عربی و نوعی زبان تصویری است ادیب معاصر مصری سید قطب به ایجاد تصاویر هنری به کمک تصویری بودن زبان عربی پرداخته است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که سید قطب به دلیل عوامل مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی در زندگی خود دچار اضطراب و هیجان‌های نامطلوب شده است و گرایش به عاطفه و احساسات عمیق همراه با نوعی اندوه و درد در او دیده می‌شود. از آنجاکه مبنای تصویرآفرینی، بازتاب روان و احساسات درونی اوست مکانیزم دفاعی روانی مانند بازگشت زمانی، همانندسازی و هنجارسازی در تصویرآفرینی او نمود پیدا کرده است. این بعد در قالب‌های مهمی مانند تجلی تصویرآفرینی در حالات واقعی، معانی ذهنی، حالات نفسانی، جلوه‌های طبیعت، ضرب‌المثل‌ها و قصه‌های قرآنی، الگوهای انسانی و جلوه‌های قیامت بروز و ظهور یافته است.

واژگان کلیدی: سید قطب، تصویرآفرینی، تصویر، شخصیت.

۱. دانش‌پژوه دکتری رشته تفسیر تطبیقی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی رشته روان‌شناسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

برای درک علت پیدایش و چگونگی یک اثر هنری باید نسبت به ابعاد شخصیت هنرمند معرفت پیدا کرد. از آنجاکه به تصویر کشیدن آیات قرآنی، نمودی از روان و عواطف مفسر است سازوکارهای زیادی می‌توان در آن یافت که بدان وسیله مفسر در حفظ امنیت و آرامش درونی خود تلاش می‌کند. این ابزارهای روانی که به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در روان چنین مفسری فعال می‌شود، تلاش می‌کند اضطراب و عاطفه ناخوشایند را از قسمت هوشیار ذهن خارج کند تا مانع ایجاد تشویش و تنش در من او شود. به دلیل ناکامی‌ها و فشارهای زندگی شخصی و اجتماعی سید قطب، چند مکانیزم دفاع روانی در گزینش مبنای تفسیری این مفسر بزرگ قرآن به کار رفته است. تحقیق حاضر برآن است که باروش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به کتاب‌های مختلف روان‌شناسی و تفسیری، مهمترین مکانیزم‌های دفاعی روان را در مبنای تصویرآفرینی آیات مشخص و آنها را نقد روان‌شناسانه کند و به این سؤال که چگونه بعد عاطفی شخصیت سید قطب در به تصویر کشیدن آیات قرآنی منشأ اثر است، پاسخ دهد. از نظر تشابه عنوانی در برخی محتواهای مقاله حاضر پژوهش‌هایی انجام شده است که گاهی با پژوهش کنونی قرابت دارد و آن هم بحث نوستالژی یا بازگشت زمانی است. از جمله می‌توان به بررسی تطبیقی نوستالژی در شعر محمدحسین شهریار و سید قطب نوشته علی سلیمی اشاره کرد. باید گفت مقاله‌هایی که با این عناوین نوشته شده است از لحاظ نظری ناقص است؛ گویی نویسندگان این‌گونه مقالات درباره بحث نظری نوستالژی و ارتباط آن با حوزه علم روان‌شناسی پیش مطالعه‌ای نداشته‌اند به‌ویژه که از نوستالژی در دانش روان‌شناسی بیشتر با نام بازگشت یا رجعت یاد می‌شود. (احمدوند، ۱۳۶۸، ص ۱۱۰)

نوستالژی یک مکانیزم دفاعی است که بر اثر اضطراب و ناکامی من به وجود آمده است تا تنش را از بین ببرد و تعادل انسان را دوباره به وی برگرداند. مسأله دیگر، تعمیم در این مقاله‌هاست. نوستالژی در قالب یک سازوکار دفاعی در مضمونی مانند یاد دوران کودکی می‌تواند به صورت یک مکانیزم غالب مطرح شود، اما در این نوع مقاله‌ها بحث نوستالژی در مضامینی

مانند تکنولوژی و ازدست رفتن ارزش‌ها، آینده‌آرمانی، بحث پیری و یاد مرگ و... نیز مطرح شده است درحالی‌که نوستالژی در این مضمون‌ها دخل و تصرف اساسی ندارد و چنین تعمیمی خواننده را در تشخیص تیپ شخصیتی فرد به اشتباه وامی‌دارد؛ زیرا این تحلیل نادرست نشان می‌دهد که شاعر در طول زندگی با فرورفتن در لاک خود، غرق در گذشته می‌شود. بنابراین، همیشه فردی منزوی و گوشه‌گیر است. غافل از اینکه این مضامین ناشی از سایر عوامل روحی و روانی شاعر است که نیاز به بررسی روان‌شناختی دقیقی دارد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تصویر

نماد قابل مشاهده چیزی و هرآنچه را که حاصل خیال است، تصویر می‌نامند. (علو، ۱۹۸۵، ص ۱۳۶) تصویر عبارت است از: چهره آدمی یا هیئتی از یک‌امر و ویژگی (الجوهري، ۱۴۰۷، ۷۱۶/۲): «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» (غافر، ۶۴)؛ یعنی شکل و حالتی که یا با چشم ظاهر مشاهده می‌شود یا با بصیرت و بینایی دل و یا هردو که به واسطه آن صورت وی را بر آفریده‌هایش برتری داده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۷۹/۱). در اصطلاح، بهره‌برداری از واژگان و عبارات با نظم معین و به‌روش لطیف هنری است به‌گونه‌ای که معنای خاصی را در چارچوب واقعیتی زنده ارائه کند و علاوه بر انگیختن احساس و خیال مخاطبین، پیام ویژه‌ای را نیز به وی انتقال می‌دهد. به عبارت ساده، تصویر، پرده برداشتن از معنا با تعابیری زنده و احساس برانگیز است (علی الصغیر، ۱۴۱۲، ص ۲۱).

قرآن نیز معانی انتزاعی را به‌مدد تصاویر محسوس و خیال‌انگیز به تصویر می‌کشد. (سید قطب، ۱۳۶۰، ص ۴۴) سیدی می‌گوید: «قرآن از زیباترین و شیواترین عبارات در بیان و تصویرسازی صحنه‌ها از سازوکارهای دیداری و هنر قدسی بهره می‌گیرد. تجسم زیبایی‌ها، مبنا و قاعده بنیادین سبک قرآن، ابزار برگزیده در بیان معانی مجرد و ذهنی، حالت‌های درونی و موضع‌گیری‌های انسانی است» (سیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). خالیدی می‌گوید: «پناه بردن به تصویر، ابزاری برای عمق‌بخشی به مفاهیم مدنظر نویسنده است. تناسب به‌کار گرفته شده در تعبیر

این فرصت را به ادیب می‌دهد تا سایه‌ها و ریتم سخن را با فضای احساس و عواطفی که می‌طلبد، ترسیم و هماهنگ کند» (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۱۰۳). مولایی نیا نیز پیونددهی میان اجزای کلمات، جملات، ترکیب‌ها و آیات سوره‌های قرآن و ارتباط جدایی‌ناپذیر آنها را در بالاترین حد امکان بیان می‌کند که با داشتن تنوع و تکرار از نوعی وحدت، انسجام و تناسب در اجزای خود استفاده کرده است (مولایی نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸).

۲-۲. شخصیت

شخصیت در لغت عبارت است از شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه. صاحب وجودی، وجود، من، ملاطفت و نجابت. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹) در اصطلاح، شخصیت ترکیبی از ویژگی‌های روانی، بدنی، زیستی و اجتماعی است که به تدریج برای شخص حاصل می‌شود و به فرد چگونگی رفتار و تطابق با محیط را که با عاطفه و احساسات همراه است، القا می‌کند (محسنی، ۱۳۵۷، ص ۴۴۷). از عوامل نفسانی در تشکیل شخصیت، احساسات، حافظه، تخیل و اراده است. گذشته از این، محیط اجتماعی نیز در تشکیل این معنا دخالت مؤثری دارد و تعقل ذات را تسهیل می‌کند (جلالی، ۱۳۴۷، ص ۴۲۸). یکی از ابعاد شخصیت بعد عاطفی است. این بعد از ویژگی‌های فطری و مثبت انسانی است. فیلسوفان اسلامی معتقد هستند که اراده انسان نیز از بعد عاطفی و شوقی او تأثیر می‌پذیرد. اشتیاق و جنبه عاطفی انسان نیز متأثر از بعد شناختی و باورهای اوست (طباطبایی، ۱۴۰۵، ص ۱۲۱). در نظریه روان‌شناسانه فروید قسمت اعظم رفتار انسان با نیروهایی هدایت می‌شوند که از آنها آگاه نیست. این نیروها عبارتند از: غرایز، آرزوها، خواست‌ها و... تصورات و امیال سرکوفته و واپس زده در ضمیر ناخودآگاه به بقای خود ادامه می‌دهند تا در هنگام مناسب به خودآگاهی راه یابند.

انسان زمانی که ناکام می‌شود این ناکامی از بین نمی‌رود، بلکه در نتیجه دخالت مکانیزم‌های دفاعی که وظیفه ایجاد آرامش در من را دارند به قسمت ناخودآگاه ذهن رانده می‌شود. در سال ۱۹۲۳م فروید، اصلاحات نهاد خود و فراخود را مطرح کرد که براساس آن با رشد کودک من ایجاد می‌شود. من نماینده جهان برونی در برابر سائق‌های متحرک در درون نهاد می‌شود و به تدریج

اصل واقعیت را به جای اصل لذت جویی برمی‌نشانند. سعی آن بر این است که با درنظر گرفتن توقعات خارجی، سائق‌ها را کنترل و تعرض‌های میان سائق‌های درونی را حل کند. به گفته فروید، «من» مجموع افکار و احساساتی است که شخص را از هستی فردی خود و اینکه کیست و چیست آگاه می‌کند. «من» شامل سازمان عقاید، نگرش‌ها، ارزش‌ها و مسئولیت‌های هر شخص است. بنابراین، اضطراب و تنش را «من» تجربه می‌کند. «من» همیشه تحت سلطه و فشار نهاد، فراخود و محدودیت‌های اجتماعی است. نهاد، بدون درنظر گرفتن اخلاقیات، سعی در ارضای امیال دارد و دنبال لذت جویی است. فراخود نیز همیشه به دنبال آرمان‌گرایی و کمال جویی است. از طرف دیگر، محدودیت‌های اجتماعی امکان عملی شدن نیازها و کمال جویی‌ها را دشوار می‌کند. بنابراین، «من» همیشه در اثر تعارض این سه عامل با اضطراب و تنش مواجه است مگر زمانی که «من» قوی و کامل باشد و توانایی هماهنگی بین این سه عامل و مانع را داشته باشد و بتواند با درایت و تدبیر، نیازهای نهاد و فراخود را با توجه به امکانات جامعه همیشه در حد مطلوبی برآورده کند.

۳. ابعاد نظریه تصویرپردازی سید قطب

سید قطب دوران کودکی خود را در روستا گذراند و قبل از رسیدن به سن ده سالگی تمام قرآن را حفظ کرد. وی به دلیل برپایی جلسات مکرر خصوصی در خانه پدرش در نوجوانی، فردی آگاه و سیاسی شد و به دلیل استعداد فراوانش پس از فارغ‌التحصیل شدن به قاهره رفت و با تأثیر از حزب وفد و عباس محمود عقاد نوشته‌های خود را به خدمت اسلام درآورد و به حرکت و تربیت اسلامی پرداخت. (الخالدی، ۱۹۹۹، صص ۱۵-۱۷) پس از چندی که مرگ والدین او را دچار غم و اندوه کرد و خود را در زندگی تنها و غریب می‌دید کتاب *التصویر الفنی فی القرآن* را نگاشت. وی به شعر و شاعری و نوشتن داستان‌های کوتاه و بلند بسیار علاقه‌مند بود. حداقل سه اثر او به نام‌های *طفل من القرية*، *الاطیاف الاربعة* و *أشواک* به شرح زندگی خود او مربوط است. *أشواک* به سرخوردگی عمیقی در عشق او اشاره می‌کند که از این سرگردانی رمانتیک رنج می‌برد تا اینکه

راه ثمربخش و عمل سازنده را با خدمت به رسول خدا ﷺ در قالب یک مبارز، مجاهد، دعوتگر، رهبر و سرانجام پیشوای فکری کشف می‌کند (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۷۱).

در سال ۱۹۴۵ موضوع اصلی مقالاتش از ادبیات به ناسیونالیسم و حوادث سیاسی و مسائل اجتماعی و اصلاحی تبدیل شد که به دلیل حملات شدید و قلم برنده‌تر از شمشیرش علیه رژیم پادشاهی و اوضاع اجتماعی وقت او را به ایالات متحده آمریکا فرستادند. امید می‌رفت که با طرز تفکری به طرفداری از آمریکا به مصر برگردد، اما وی از تمام دنیای خود برید و بار دیگر اسلام را کشف کرد. این نه بدان معنی است که عشق و علاقه زیادش به ادبیات او را به طور موقت از اسلام دور کرده بود، هرچند که در نهایت او اسلام را از دیدگاه ادبی‌اش شناخت؛ زیرا از قبل با انگیزه ادبی به قرآن روی آورد و از دیدگاه هنری، زیباشناختی و نقدی به تحقیق پرداخت و در همین زمینه، مکتب جدیدی بانام مکتبه القرآن الجدیده پدید آورد، اما پس از چندی خود قرآن او را به سوی دنیای ایمان رهنمون شد. سید قطب نیز همانند بیشتر مبارزان دستگیر شد و به سختی و به طور بی‌رحمانه‌ای مورد شکنجه قرار گرفت. او در زندان با چشم سر، هر روز ناظر کشتن جوانان اخوان بود (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۵۶). سید در زندان هم آرام نمی‌گرفت و شروع به نوشتن کتاب‌هایی کرد که با کتاب‌های قبلی‌اش تفاوت‌های زیادی داشت. در همین مدت بود که توانست کتاب معروف خود فی ظلال القرآن را همراه با کتاب‌های دیگر از جمله هذا الدین، المستقبل لهذا الدین و معالم فی الطريق بنویسد و حتی به صورت جزوه‌هایی در قاهره منتشر کند. سرانجام سید مورد محاکمه ستمگرانه فؤاد الدجوی قرار گرفت تا اینکه حکم اعدام او صادر شد (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۱۷۸).

باتوجه به اتفاقات زندگی سید قطب و تأثیر آن بر بعد عاطفی شخصیت وی از آرزوهای بزرگ او پس از نوشتن دو کتاب التصوير الفنی فی القرآن و مشاهد القیامه فی القرآن این بود که تمام قرآن را براساس همین شیوه هنری عرضه کند که سرانجام با توفیقات خداوند موفق شد تفسیر قرآن را به نام جنجالی فی ظلال القرآن در لباس هنری به علاقه‌مندان عرضه کند. (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۶۷۲) سید در کنار این نام قصد دارد، بگوید آیات باوجود معنا سایه‌های دلنوازی

دارند که باید توجیهات و القائات قرآنی را در لابه‌لای این سایه‌ها یافت. تا انسان سایه‌ها را با حس و خیالی هوشیار و دور پرواز درک نکند قادر نخواهد بود القائات این الفاظ را درک کند (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۹۱). به دلیل گستردگی و عمیق بودن بحث‌های ادبی و جنبه‌های تصویری و زبان‌شناسی قرآن در فی ظلال، سید قطب با معلومات ادبی جدید خود و درحالی‌که ناقد و شاعری حساس بود به تفسیر قرآن روآورد (صالح، ۱۴۲۴، ص ۳۴۷).

به نظر سید قطب، قرآن معنای ذهنی، حالت‌های درونی، پیشامدهای محسوس، منظره‌های قابل مشاهده و الگوها و طبیعت‌های انسانی را با تصاویر احساسی و خیال‌برانگیز اذعان می‌کند. پس معنای ذهنی به یک شاخص زنده تبدیل می‌شود که در آن اشتیاق به زندگی و تحرک موج می‌زند و زمانی‌که عنصر گفت‌وگو را در کنار آن قرار می‌دهند عناصر خیال‌برانگیز در آن زنده می‌شود. (صالح، ۱۴۲۴، ص ۳۶) سید قطب تصویرپردازی هنری در قرآن را عنصر ثابتی در وجود بشر می‌داند که همان وجدان نزدیک به فطرت و طبع سلیم وی است. با این روش، قرآن هنر تصویرپردازی خود از راه خیال‌انگیزی، معناهای ذهنی، حالات درونی، الگوهای انسانی عرضه می‌کند و منظره‌های قیامت را به گونه‌ای زنده، محسوس، قابل درک و هماهنگ نشان می‌دهد (الخالدی، ۱۹۹۹، ص ۱۲۵). دکتر صبحی صالح می‌گوید: «نظریه سید قطب می‌تواند نسل جدید ما را از وزش نسیم لطیف زیبایی هنری در کتاب خدا بهره‌مند کند و به محققان این امکان را بدهد که خود به استخراج و استفاده از گنجینه پیردازند و با وجدان و شعور انسانی خودشان از آن برخوردار شوند. شکی نیست که اعراب عصر قرآن هم پیش از هرچیز تحت تأثیر جادوی اسلوب قرآن قرار گرفتند و کوشیدند تا با آن برابری کنند، اما نتوانستند و آن‌گاه که آن‌را فهمیدند زیبایی آن‌را درک کردند و دل‌هایشان دست‌خوش تأثیر شد. این جنبه هنری خالص یک عنصر مستقل و به‌تنهایی کافی برای اثبات اعجاز و جاودانگی قرآن است» (صالح، ۱۹۷۷، ص ۳۲۰).

۴. ویژگی‌های مهم تصویرآفرینی

سید قطب به جای پرداختن به علوم صرف و نحو، بلاغت و اشتقاق و... به انتخاب و بررسی ویژگی‌های نظریه تصویرآفرینی بااستفاده از طبع هنری خود که برخاسته از بعد عاطفی شخصیت اوست در موضوعات قرآنی پرداخت.

۴-۱. تشخیص

تشخیص که همان پوشاندن لباس انسان بر اندام اشیاء و یا هر مخلوق غیربشری و بخشیدن صفات بشری به آنهاست (عصفور، ۱۹۹۲، ص ۲۶۸) همه چیز را در برابر انسان سرشار از زندگی، حرکت و حیات می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۹). سید قطب که نوعی از خیال‌انگیزی و صورتگری را شخصیت دادن یا تشخیص بخشیدن می‌نامد (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۶۱) در تفسیر آیه: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمْدًا وَهِيَ ثَمَرٌ مَّرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (نمل: ۸۸) دمیدن صور که همراه با ترس و هراس و انقلاب جهانی، بی‌نظم و نظام شدن کرات و ستارگان، به حرکت درآمدن کوه‌های استوار است را به این شیوه همراه با ترسیدن و هراسیدن و جزع و فزع در آن نمایان می‌کند به گونه‌ای که کوه‌ها ترسیده و به هراسی هولناک گرفتار شده‌اند، به جزع و فزع درآمده‌اند و بی‌قرار و آرام به اینجا و آنجا می‌روند (سید قطب، ۱۳۸۷، ۲۶۶۸/۵).

۴-۲. تخیل

تصویرگری اشخاص، اشیاء و معانی آن و برانگیختن احساسات و عواطف مخاطب تخیل است. (اصغریور، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶) عنصر در قرآن، خلق صحنه‌ها و ایجاد انگیزه برای برانگیختن تخیلات و تصورات مخاطب است. سید قطب در معرفی تخیل ابتدا به تصویرهای حسی که همان تصویرهای نشأت‌گرفته از حواس هستند و سپس به تصاویر خیالی اشاره دارد. در نتیجه تصویر را قاعده بیان و تخیل حسی را قاعده تصویر در قرآن قرار داد به گونه‌ای که دو مؤلفه حس و خیال، تصویر را تشکیل می‌دادند (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۶۰). در تفسیر آیه: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا

بَايَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحْ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (اعراف: ۴۰) ذهن تلاش‌های پی‌درپی، ولی بی‌فایده شتر ناامید را در خیال پرورش می‌دهد تا درنهایت معنای ناممکن بودن در عمق نفس و روان پایدار شود (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۳۴).

۴-۳. واقعیت

قرآن کتاب هدایت بشر، گسست و جدایی بین حقیقت و هنر را برداشته و میان دو مقوله صدق هنری و صدق واقعی اتصال برقرار می‌کند. (راغب، ۱۴۲۲، ص ۴۶) مهمترین جلوه‌های این تصویرگری سید قطب در تفسیر آیات ۷۵-۷۷ سوره آل عمران بیان می‌شود که می‌فرماید: «شیوه‌ای که قرآن مجید درباره شناساندن اهل کتاب، آن کسانی که در آن ایام با جماعت مسلمانان روبه‌رو می‌شدند و چه‌بسا در شناساندن حال اهل کتاب در همه اعصار و درمیان همه نسل‌ها به تصویر می‌کشد شیوه بسیار منصفانه و درستی است و در آن کوچک‌ترین حق‌کشی و حق‌پوشی نیست و زیان و نقصانی را به ناحق متوجه کسی نمی‌کند» (سید قطب، ۱۳۸۷/۱، ۴۱۷).

۴-۴. تجسیم

از مهمترین روش‌های تصویرآفرینی در قرآن، سخن گفتن درباره مجردات و معنویات در لباس محسوسات و اجسام مادی است. (سید قطب، ۲۰۰۲، ۴۶/۱) به‌نظر سید قطب باید معنای صور ذهنی مجرد تصور شود، سپس آنها را به شکل‌های تصویری، شخصیت‌پردازی کرد (سید قطب، ۲۰۰۲، ۶/۱). همچنین منظور، تجسیم معنویات مجرد و بیان و ابزار آن به‌شکل اجسام یا محسوسات است آن‌هم بر وجه دگرگونی و تحویل (سید قطب، ۱۳۸۷، ۶۶/۱). در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (ابراهیم: ۱۸) روند قرآنی بادی که به‌شدت در یک روز طوفانی می‌وزد نابودی و حبط اعمال را مجسم می‌کند. درحقیقت به‌واسطه چنین صحنه‌ای،

احساس‌ها به درجه‌ای تحریک می‌شوند که هیچ‌گونه تفسیر ذهنی صرفی قادر نیست حبط و نابودی اعمال و پراکندگی افعال را این‌گونه تحریر کند و آشکارا به‌نمایش گذارد» (سید قطب، بی‌تا، ۲۰۹۴/۴).

۴-۵. عاطفه

تصاویر هنری در مخاطبان، پاسخ احساسی و عاطفی به وجود می‌آورد که به یاری آن واقعیات زندگی، هستی و ماورای آن، انسان و... به اوج تأثیرگذاری بر مخاطب می‌رسد. (راغب، ۱۴۲۲، ص ۵۰) در آیه «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود: ۴۱ و ۴۲) وجه شبه با شرایط و ساختار موقعیت سازگار است. بلندی و پی درپی بودن امواج مانند کوه، تصویر صحنه صدا زدن نوح عليه السلام نسبت به فرزند نافرمانش است که دلسوزی وی را جدی نمی‌پندارد. صحنه ماجرا عوض می‌شود: «قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ» (هود: ۴۳)، پس موج که آن را شبیه به کوه می‌داند مانع آن دو شده و تصویر حجم و بلندی آن را به‌گونه‌ای به نمایش می‌گذارد که هردو چون کوه می‌شوند. مخاطب در این زمان‌های کوتاه که آنها را در موجی مانند کوه به حرکت درمی‌آورد، نفس گیر می‌شود. حضرت نوح عليه السلام فریاد دردمندانه می‌زند و پسر بدان بی‌اعتنایی می‌کند و موج سرکش در لحظه‌ای کوتاه و شتاب زده صحنه را درمی‌نوردد (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۴۹).

۴-۶. تشبیه

تشبیه، کوششی بلاغی است و که در اثر آن معنا و مفهوم آیات نما و جذابیت ویژه به دست می‌آورد و تأثیر شگرف در درون انسان ایجاد می‌کند. از مقاصد مهم تشبیه، توجیه و توضیح امور معنوی به کمک صورت‌های تجسمی، مرئی و محسوس است. آیه «مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه: ۵) اگرچه سیمای بسیار زشت از علمای یهود را نمایش می‌دهد، اما

درکنار این تشبیه، سیمای حقیقت صادقانه را نیز به شیوه احسن ترسیم می‌کند؛ زیرا علمای یهود حقیقت امانت الهی (تورات) را درک نکرده و به آن عمل نکردند (سید قطب، ۱۳۸۷، ۳۵۶۸/۶).

۴-۷. موسیقی

موسیقی احساس را شکوفا و بر نفس انسان تأثیر می‌گذارد. راغب می‌نویسد: «مخارج و صفات حروف، حرکات و پشت سرهم آمدن آن با نظم معین، پراکندگی واژگان و عبارات یعنی، آهنگ حروف در آغاز آهنگ واژگان را به وجود آورد و سپس واژگان در عبارات، سبب ایجاد عبارات شده و از آنها ریتم کلی تصویر به وجود می‌آید». (راغب، ۱۴۲۲، ص ۵۴) سید قطب علاوه بر آنکه ریتم موسیقی واژگان را به معنای مورد نظر با حالت روانی و فضای کلی بافت مرتبط می‌کند، تلاش می‌کند تا نظم دقیق، برای فواصل آیات قرآنی در نظر بگیرد تا از خلال آن با معنای مدنظر قرار بگیرد و مراعات آن با نغمه موسیقایی در سوره حرکت کند (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۸۹). به نظر وی بیشتر تصویرهای قرآن، حرکت پنهان یا آشکار دارند (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۷۲) چنان که در آیه «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا. لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا» (مریم: ۸۸-۹۰) آهنگ واژگان و ریتم عبارات با سایه‌های صحنه در ترسیم فضای خشم و لرزش هماهنگ است (سید قطب، ۱۳۸۷، ۲۳۲۱/۴).

۵. تحلیل ویژگی‌های شخصیتی سید قطب و تأثیر آن بر تجلی تصویرآفرینی آیات

در ویژگی‌های تصویرآفرینی، قرآن کریم که موجی از حرکت و احساس را در مخاطب خود ایجاد می‌کند از همه روش‌ها و ابزارها برای تجلی حقایق، وصف حالات و روحیات انسان‌ها، جریان‌ات تاریخی، وقایع قیامت و... مدد می‌گیرد. در این قسمت با بهره‌گیری از عواطف و هنر سید قطب که از درونش تراوش می‌کند و با نظر به ویژگی‌های تصویرآفرینی، تأثیر این عوامل در چگونگی تجلی تصویرآفرینی آیات قرآن بررسی می‌شود.

۵-۱. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی در حالات واقعی

آثار ویژگی شخصیتی سید قطب در اسلوب بیانی وی به گونه‌ای زیبا متجلی است که بیشترین منشأ اثر را نیز بر نفس انسان دارد. سید قطب از شخصیت‌هایی است که ناکامی‌ها و فشارهای زیادی در زندگی شخصی و اجتماعی تجربه کرده و مکانیزم دفاع روانی در او به روشنی قابل درک و مشاهده است به گونه‌ای که احساس تحقیر و گناه، ارضا نشدن امیال و نیازها و... موجب احساس درونی رنج‌آور در وی شده است که تا برقراری مجدد تعادل تسکین نمی‌یابد. بنابراین، وی این کیفیت و حالت روانی که عامل شکل‌گیری واکنش‌های دفاعی شخصیت و فعال شدن مکانیسم دفاعی روانی است را برای به تصویر کشیدن شکست‌ها و حمایت در برابر هیجانات و اضطراب‌ها و... به کار برده است. (احمدوند، ۱۳۶۸، ص ۲۷) تجلی این نوع تصویرگری از دیدگاه سید قطب در آیات مربوط به جهاد با تمام حرکات و خطرات از لابه‌لای عبارات قرآنی برجسته و هویداست به طوری که انگار پیکار هنوز برقرار است (سید قطب، ۱۳۸۷، ۱۴۸۲/۳) مانند نقش امداد غیبی الهی، ویژگی‌های واقعی مجاهدان و شرایط کارزار در جنگ بدر (ر.ک.، انفال: ۹-۱۴).

۵-۲. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی در معانی ذهنی

سید قطب با علاقه وافری که در ادب و هنر داشت نوشته‌های ادبی و هنری خود را به خدمت اسلام درآورد و پس از بازگشت از آمریکا به قرآن و تدریس نکات ادبی در آن مشغول شد. وی که دیدگاهی هنری و ادبی نسبت به مسائل اسلام داشت در کشف معانی ذهنی و مجرد در قرآن و به تصویر کشیدن آن به صورت محسوس و مشخص صاحب نظر شد. از طرفی، آثار غم و اندوه درگذشت عزیزان وی در طول زندگی او مکانیزم همانندسازی را درون وی به جا گذاشت به گونه‌ای که وی به راحتی و بدون اینکه خودش متوجه شود عواطف و مسائل درونی خود را به عامل دیگری سرایت می‌داد و این خود در کشف معانی ذهنی آیات به معانی محسوس تأثیرگذار بوده است. (صالح، ۱۴۲۴، ص ۳۴۸ و ۳۴۹) برای مثال، سید قطب معنای ذهنی خاص موردنظر آیه «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءٌ وَ نِدَاءٌ صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا

يَعْقُلُونَ» (بقره: ۱۷۱) را بی فایده بودن عبادت کفاری می داند که بت هایی را مورد پرستش قرار می دادند که نه شنوا بودند و نه درخواست های آنها را اجابت می کردند. قرآن شکل زشت حقیرانه چهارپای رها شده ای که آنچه به او تذکر می دهد را نمی فهمد که هر زمان چوپان بر او صدا بلند کند، می شنود، اما معنای آن را درک نمی کند را برای آنها ترسیم می کند (سید قطب، ۱۳۸۷، ۱/۱۵۶).

۵-۳. تأثیر بعد شخصیتی تجلی بر تصویرآفرینی در حالات نفسانی

احساس تنهایی و غربت درونی سید قطب این قدرت را به وی بخشید تا حالات نفسانی و مجرد را نیز به کمک حالات مشخص و محسوس به زیبایی جلوه گر شود و حالتی عرفانی به خود گیرد و از حالات درونی به زیبایی سخن گوید. وی در تفسیر آیاتی، شرایط تفرقه افکنی، مشوش سازی، به وجود آوردن هراس و نیرنگ زدن منافقان مدینه و بهانه گیری ها و رفتارهای بی باکانه و به دور از انسانیت آنها را ترسیم می کند، سپس تصویر روحی و روانی از این منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری است، سستی عقیده و دل و بیرون رفتن از صف جهاد و... و به طور کلی درون آنها را بی هیچ پرده ای جلوه گر و نمایان می کند (ر.ک.، احزاب: ۱۴ و ۱۵). (سید قطب، ۱۳۸۷، ۵/۲۸۳۹)

۵-۴. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی در جلوه های طبیعت

برخی تصویرآفرینی هنری قرآن به جهان محسوسات یا جهان شهادت که در حوزه معرفت بشری است، مربوط است و به تصویر کشیدن جلوه های طبیعت علامتی است که انسان را به شناخت ذات پاک پروردگار راهنمایی می کند. از آنجا که طبیعت گرایی و پناه بردن به آن از ویژگی های مهم شخصیتی سید قطب است وی باتوجه به روحیه اندوهگینی که دارد با رویکردی احساسانه و عاطفی با طبیعت مواجه می شود و گویا طبیعت سرمنشأ عواطف و احساسات و تأمل برای وی است. (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۲۹۶) بنابراین، به ارتباط تصویر صحنه های طبیعت با مبدأ حقیقی آن می پردازد. در این گونه تصویرگری ها، توصیف بیرونی

طبیعت، جان خود را به درک درون‌گرایانه طبیعت و همدلی با آن می‌دهد (فurst، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳). سید در مقدمه دیوانش می‌گوید: «برای هر ناقدی روشن می‌شود که شاعر در این دیوان در همه قصاید خود بسان تصویرگری نمایان شده است تا آنجا که هیچ قصیده‌ای از تصویر تهی نیست. تصاویر شاعر، آرام و پنهان است و این دو خصیصه باعث می‌شود که روح آفرینش تصاویر در شاعر متجلی شود» (سید قطب، ۱۹۹۲، ص ۳۴).

۵-۵. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی در ضرب‌المثل‌های قرآنی

نقش ضرب‌المثل‌های قرآنی در قالب امور مهم و پراحادی و واقعی زندگی انسان خود را نشان می‌دهد. (صالح، ۱۴۲۴، ص ۳۵۲) این ضرب‌المثل‌ها نه تنها خیالی نیست، بلکه سبکی منحصربه‌فرد در بیان، شیوه و هدف است (علی‌الصغیر، ۱۴۱۲، ص ۹۸). از آنجا که ضرب‌المثل حاصل تراوش ذهن و اندیشه هوشمندانی مانند سید قطب است ایشان با تشبیه حقایق عقلی به امور حسی که از طبع هنری او سرچشمه می‌گیرد قابلیت فهم و جذب مسائل و موضوعاتی را برای مردم را میسر کرده و با چنین شناختی به تصویرگری آیات می‌پردازد: «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ... اللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» (بقره: ۱۷-۱۹). تصویرگری سید قطب چنین است که طبیعت دغلباز و سازش‌کار، منافقان و علت‌گاہ با این بودن و گاہ با آن به‌سر بردنشان و روی‌گردان شدن آنها از هدایت را هویدا می‌کند تا طبیعت و سرنوشتشان بهتر شناخته شود (سید قطب، ۱۳۸۷، ۴۵/۱).

۵-۶. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی در قصه‌های قرآنی

روزهای خوش کودکی و بهره‌مندی از خاطرات آن در آثار هنری سید قطب به واسطه مکانیزم بازگشت که همان پناه بردن به گذشته است به چشم می‌خورد. دوران کودکی وی که با نشاط خاصی سپری شده است از دغدغه‌های مهم ذهنی اوست. به همین دلیل در نوشته‌ها و اشعار خود آن را به تصویر می‌کشد و با قدرت هنری خود آن را مانند فیلمی جلوی چشم خواننده ترسیم می‌کند. ایشان برای رهایی از زندگی پرهیاهوی بعد از دوران کودکی به دلیل

دلتنگی هایش به نوشتن خاطرات پناه می برد. به همین دلیل است که وی با داشتن چنین سوابقی، داستان های قرآن را به زیبایی هرچه تمام جلوی چشم همگان به نمایش می گذارد. از دیدگاه سید، داستان های قرآن برای هدایت گری به کار گرفته می شود. (سهیر، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲) قصص انبیای الهی، کاروانی پویا، در حال حرکت و متصل به هم را نمایش می دهد که سرگذشت مدعیان صادق و کنش های نسل بشر را در مقابل منادیان سعادت به تصویر می کشد و بیان می دارد که لذت ایمان در قلوب مؤمنین به چه صورتی است و اتصال دائم با خداوندی که آنها را به این نعمت رسانده است چه مقام و مرتبه ای دارد تا آنها وجود خود را در سایه سار آن حیاتی تازه دهند (سید قطب، ۱۳۸۷، ۵۵/۱).

سید قطب با به کارگیری بعد هنری داستان در صدد روشن سازی پیام و رسالت اصلی داستان های قرآنی است. در داستان حضرت یوسف علیه السلام وی در همه رویدادهای داستان فردی است مصمم و خداترس و این ویژگی ها را در جریان تبلیغ و دعوت هم سلولی هایش به یکتاپرستی می توان مشاهده کرد، ولی با این همه تا وصول به مرحله پختگی و به حقیقت پیوستن آنچه به دنبالش است فاصله زیادی است؛ زیرا در ماجرای آزادی یکی از زندانیان از او می خواهد که داستان او را نزد پادشاه بازگو کند چنان که از بودن در زندان به تنگ آمده است، البته این زیبنده شخصیت وی نیست. بنابراین، تا وصول به شایستگی کامل باید چند مدت دیگر با نظارت خدا در زندان باقی بماند. حضرت یوسف علیه السلام بعد از گذشت سال ها به پختگی دست می یابد. زمانی در جریان تعبیر خواب پادشاه از او خواسته می شود نزد پادشاه برود. برخلاف گذشته، مشتاق خروج از زندان به نظر نمی آید، بلکه قبل از هر چیز از پادشاه درخواست دارد تا بی گناهی وی در ملأعام اثبات شود و سپس آماده خروج از زندان می شود. (سید قطب، ۱۳۸۷، ۱۹۵۵/۴) باتوجه به گفته های سید قطب پس از گذشت این مرحله حضرت یوسف علیه السلام شخصیتی مطمئن و متکامل در صحنه داستان ظاهر می شود. بعد از آن، همه شخصیت های دیگر داستان در پس پرده محو می شوند گویی تمام آنها ابزاری برای رسیدن به کمال حضرت یوسف علیه السلام بودند تا به دست گیرنده کنترل واقعی مصر شود (سید قطب، ۱۳۸۷، ۱۹۵۶/۴).

۵-۷. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی در الگوهای انسانی

قرآن کریم در به تصویر کشیدن نمونه‌های انسانی از خلال طبیعت و سرشت دوگانه‌اش نگرش واقع‌گرایانه دارد. (راغب، ۱۴۲۲، ص ۳۱۵) از نظر سید قطب، قرآن الگوهای انسانی را به سادگی ترسیم و برای این امر تنها یک یا دو جمله را برای ترسیم آن کافی می‌داند (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۲۱۶). با نظر به زندگی سید قطب این نکته مورد توجه است که اول، شخصیت وی از انسان‌های بزرگی مانند عقاد تأثیر گرفته است؛ یعنی احساسات درونی وی، طینت الگوهای شایسته را در ذهن او به زیبایی به تصویر کشیده است؛ دوم، به دلیل شکست عشقی که در زندگی داشت به واسطه مکانیزم تصعید روان، ارزش و مقام عشق را تعالی داد و آن را تاحد خدایی به اوج رساند. سید با این مکانیزم دفاعی که از سازگارترین و اخلاقی‌ترین سازوکارهای دفاعی روانی است به سوی عشق فرازمینی پر کشید و شخصیت و روان او متعالی شد و در به تصویر کشیدن واقع‌گرایانه طبقات و گروه‌های مختلف انسانی توفیق یافت. سید قطب ذیل آیه «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً... إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَؤُا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۸-۹) انسان‌هایی را به تصویر می‌کشد که به سوی پروردگار یگانه خود بر نمی‌گردد. آنها زمانی که بلا و سختی را پشت سر می‌گذرانند و به آرامش و خوشی دست می‌یابند آنچه در زمان سختی، زیان و ضرر و بلا و مصیبت گفته‌اند را فراموش می‌کنند و فطرتشان بر اثر هواها و هوس‌ها و شهوات و لذاذات منحرف می‌شود. در آیه بعد، جلوه‌گری دلی را که از خدا و عذابش در هراس است و ذکر خدا را در شادی، خوشی، غم و ناخوشی و زمان دارایی و ناداری به فراموشی نمی‌سپارد به تصویر می‌کشد (سید قطب، ۱۳۸۷، ۳۰۴۲/۵).

۵-۸. تأثیر بعد شخصیتی بر تجلی تصویرآفرینی جلوه‌های قیامت

از ویژگی‌های شخصیتی سید قطب این است که در پی دستیابی به محیطی زیبا و آرمانی بود. حسرت فراق از بهشت و روح ازلی در وی سبب می‌شود تا وی به این احساس دست یابد که از اصل خویش جамانده و در غریبستان زندگی می‌کند و آرمان شهر او بهشت گمشده‌ای است که او بارها و بارها در آثار هنری خود به دنبال به تصویر کشیدن او بوده و گویی در ذهن خود تصاویر

آن را به طور احسن مجسم کرده است. (سهریر، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱) سید در دوران زندگی خود به ویژه در واپسین روزهای زندگی از اصل هنجارسازی نیز استفاده کرد و به خود دلداری می داد که هیچ چیز نگران کننده ای در وی وجود ندارد و واکنش حکیمانه خود را در قالب هنری به تصویرکشی موضوعات مهم زندگی به کار می گیرد. از نظر او اگر انسان روح هنری داشته باشد روان و دلش همیشه جوان است (بلکمن، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳).

از آنجا که حقایق به صورت تصویرآفرینی تأثیر عمیقی در نفس به جا می گذارد قرآن نیز صحنه های قیامت که همان نعمت های دوزخ و بهشت است را به گونه ای به تصویر می کشد که در ذهن، حس، قلب، وجدان و شعور افراد قابل مشاهده می شود. سید کتاب مشاهد القیامه فی القرآن را به دلیل کثرت نصوص تصویری از این روز بزرگ نوشت. وی در آیات «وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ. إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقاً وَهِيَ تَفُور. تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» (ملک: ۶-۸) آتش را همچون موجود جاننداری ترسیم می کند که کافران به آن انداخته می شوند و با جوش و خروش آنها را مورد قبول قرار می دهد. جانشان از کینه و خشم مالا مال می شود گویی از کینه و نفرت منفجر شوند. صحنه ای ترسناک و مشوش است که از بیم آن پوست ها کنده می شود. در همین حالت که از این غول در ترس و دلهره هستند و با جوش و خروش آنها را قبول می دارند، می شنوند که نگهبانان دوزخ دسته دسته از هر طرف با سؤال تکراری سر می رسند که «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ». جواب هم با سرافکندگی تمام همان است: «بلی آمد، اما ما او را تکذیب نمودیم» (سید قطب، بی تا، ص ۱۷۷).

۶. نتیجه گیری

در نوشتار حاضر از نظریه سید قطب در رابطه با تصویرآفرینی در آیات قرآن به دست می آید که تصویر هنری، عنصری اساسی از عناصر بیان است. توجه به مصادیق قرآنی ذکرشده توسط سید قطب نشان می دهد که انتخاب این مبنای هنری در فهم و تفسیر قرآن به روحیه ادبی و عاطفی

ایشان بازمی‌گردد که همه چیز از جمله آیات قرآن را با نگاه زیباشناسانه تحلیل و بررسی می‌کند. وظیفه تصویرپردازی‌های قرآن تنها به تصویر کشیدن محسوسات نیست، پس سید او در تأویل‌های خود به دنبال محقق شدن غرض دینی از ورای تصویر حسی است. وی با به‌کارگیری عناصر تصویری در متن از نقل مستقیم منظور و هدف رها شده و با ریختن آن در قالبی دیگر به سمت این هدف متوجه شده است که اثرگذاری و ماندگاری در ذهن داشته باشد. این روش هدایتگری قرآن است که روش هدایتگری به زبان و بیان غیرمستقیم را انتخاب کرده است همچنان که آیات الهی بر پیامبر ﷺ نازل شد تا انسان را با اسماء، صفات، افعال و آثار قدرت الهی آشنا کند. گفتنی است که معرفت و شناخت دینی به منوط بر شناخت و معرفت ذهنی نیست بلکه به ایمان، رفتار و اندیشه متحول می‌شود. بنابراین، تصور بدون غرض نیست و دربردارنده نگرش‌های اسلامی است که تکامل آن به کمال تصویر و گره خوردن آن دو در نظام‌های تصویری، بیانی و فکری ممکن است تا در وحدت طراحی و ساخت تکمیل شود و آیات الهی به معجزه‌ای در طراحی مبتنی بر روابط مبدل می‌شود، هستی هم در طراحی محکم و پابرجاست و بر نظام خویش مبتنی نیست. انسان و حیات نیز به همین شکل است؛ زیرا سرچشمه واحد، همان خداوند یگانه است و اعجاز در آن دو واحد است و همان‌طور که اعجاز در عالم هستی قابل مشاهده است در سخنان خداوند متعال نیز اعجاز وجود دارد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: الهی قمش‌های، مهدی. قم: دارالتقلین.
- ۱. احمدوند، محمدعلی (۱۳۶۸). مکانیسم دفاع روانی. تهران: انتشارات بامداد.
- ۲. اصغریور، محبوبه (۱۳۸۴). جلوه‌های تصویرگری در قرآن. قم: دانشگاه الزهراء (ع).
- ۳. بلکمن، جروم اس (۱۳۹۳). مکانیسم دفاعی روانی. مترجم: جوادزاده. غلامرضا. تهران: ارجمند.
- ۴. جعفری، مسعود (۱۳۷۷). سیررمانتیسم در غرب. تهران: انتشارات مرکز.
- ۵. جلالی، مهدی (۱۳۴۷). روان‌شناسی کودک. تهران: امیرکبیر.
- ۶. الجوهري، اسماعيل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية. محقق: احمد عبدالغفور عطار. بيروت: دارالملايين.
- ۷. الخالدي، عبدالفتاح صالح (۱۹۸۹). نظرية التصوير عند سيد قطب. السعودية: دارالمناهر.
- ۸. الخالدي، عبدالفتاح صالح (۱۹۹۹). سيد قطب من الميلاد الى الاستشهاد. بيروت: دارالشاميه.

۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.
۱۱. راغب، عبدالسلام احمد (۱۴۲۲). وظیفه الصورة الفنیة فی القرآن الکریم. حلب: فصلت للدراسات و الترجمة و النشر.
۱۲. سه یز، ولوی میشل (۱۳۸۳). رومانسیسم و تفکر اجتماعی. نشریه ارغنون، شماره ۲، ۴۱-۵۸.
۱۳. سید قطب (۱۳۶۰). آفرینش هنری در قرآن. مترجم: فولادوند، مهدی. تهران: بنیاد قرآن.
۱۴. سید قطب (۱۳۸۷). فی ظلال القرآن. مترجم: خرم دل. مصطفی. تهران: احسان.
۱۵. سید قطب (۱۹۹۲). دیوان. عبدالباقی محمد حسین. بیروت: دارالوفاء.
۱۶. سید قطب (۲۰۰۲). التصوير الفنی فی القرآن. قاهره: دارالشروق.
۱۷. سید قطب (بی تا). مشاهد القیامه فی القرآن. مصر: ملتزم الطبع و النشر دارالمعارف.
۱۸. سیدی، حسن (۱۳۸۷). کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم. تهران: نشر سخن.
۱۹. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه.
۲۰. صالح، صبحی (۱۹۷۷). مباحث فی علوم القرآن. بیروت: دارالعلم.
۲۱. صالح، عبدالقادر محمد (۱۴۲۴). التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث عرض دراسة مفصلة. بیروت: دارالمعرفة.
۲۲. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۰۵). نهاییه الحکمه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۳. عصفور، جابر (۱۹۹۲). النقد العربی. بیروت: دارالکتب المصنوی.
۲۴. علو، سعید (۱۹۸۵). معجم المصطلحات الادبیة المعاصره. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۲۵. علی الصغیر، محمدحسین (۱۴۱۲). الصورة الفنیة فی المثل القرآنی. بیروت: دارالمورخ العربی.
۲۶. فورست، لیلیان (۱۳۷۵). رمانتیس. مترجم: جعفری، مسعود. تهران: نشر مرکز.
۲۷. محسنی، منوچهر (۱۳۵۷). جامعه شناسی عمومی. تهران: نشر کتابخانه طهوری.
۲۸. مولایی نیا، عزت الله (۱۳۸۳). اسالیب بیانی قرآن کریم. تهران: انتشارات فرهنگی سبز.